

ترجمہ
جواهر الکلام

درلغہ و عاریہ

تألیف استاد فقہا شیخ محمد حسن نجفی
(متوفی ۱۲۶۶ ق.ھ)

ترجمہ، شرح و توضیح

دکتر اکبر نایب زاده

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

سرسنانه	: صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، ۹۱۲۰۰ - ۱۲۶۶ق.
عنوان قراردادی	: جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، فارسی - عربی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدید آور	: ترجمه جواهرالکلام: ودیعه و عاریه / تألیف محمدحسن نجفی (متوفای ۱۲۶۶ ق.هـ): ترجمه، شرح و توضیح اکبر نایب زاده.
مشخصات نشر	: تهران: خرسندی، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ ص.
شابک	: 978-600-114-704-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: فارسی - عربی.
یادداشت	: کتاب حاضر ترجمه و شرح بخش ودیعه و عاریه از کتاب «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام» تألیف محقق حلی است.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۸۸ - ۳۹۲.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام -- نقد و تفسیر
موضوع	: فقه جعفری -- قرن ۷ق. Islamic law, Ja'fari -- 13th century
موضوع	: ودیعه (فقه) Deposits (Islamic law)
شناسه افزوده	: نایب زاده، اکبر، ۱۳۲۴ - مترجم
شناسه افزوده	: محقق حلی، جعفر بن حسن، ۶۰۲ - ۶۷۶ق. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، برگزیده، شرح
رده بندی کنگره	: ۸۴۰/۹۰۰ - ۴۲۳/۴۰۳ ف ۱۸۲/م ۳ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹ / ۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۵۱۲۰۷

انتشارات خرسندی

نمایشگاه و فروشگاه کتب فقهی، حقوقی و مجموعه قوانین

تهران، خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان لبافی نژاد - نرسیده به خیابان دانشگاه - پلاک ۱۷۴ - واحد ۲

تلفن: ۵ - ۶۶۹۷۱۰۳۴ و ۵ - ۵۸۴۰۶۶

فروشگاه شماره ۱: دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، تلفن: ۶۶۴۱۰۲۰۳

فروشگاه شماره ۲: میدان انقلاب، خ منبری جاوید (اردبیهست)، پلاک ۹۲، تلفن: ۶۶۷۵۵۹۱۰ - ۶۶۹۵۰۷۵

فروشگاه شماره ۳: خ انقلاب، نرسیده به میدان فردوسی، کوچه شهید براتی، دانشکده حقوق دانشگاه آزاد،

طبقه زیرین (قسمت کتابفروشی): ۶۶۷۵۵۹۱۰

پست الکترونیکی: Khorsandy.pub@gmail.com

سایت اینترنتی: WWW.Khorsandypub.com

ترجمه جواهرالکلام: ودیعه و عاریه

تألیف: شیخ زین الدین بن علی ملقب به شهید ثانی (شهادت ۹۶۵ هـ. ق)

ترجمه، شرح و توضیح: دکتر اکبر نایب زاده

چاپ اول: ۱۳۹۵ تیراژ: ۵۰۰ جلد قیمت: ۳۵۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-114-704-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۴-۷۰۴-۳

فهرست

کتاب ودیعه

- ۱- ودیعه در لغت ۱۷
- ۲- مطلب ازین در عقد ودیعه ۱۸
- ۳- ودیعه با معاطات امانت است ۱۷
- ۴- باید میان ایجاب و قبض آن رابطه باشد ۱۸
- ۵- فرق بین این که ودیعه عند است یا اذن ۱۹
- ۶- ودیعه نیاز به ایجاب و تبرر دارد ۲۰
- ۷- برای قبول فعل نیز کافی است ۲۱
- ۸- برخی گفته‌اند در ایجاب هم فعل کافی است ۲۲
- ۹- مالی را نزد کسی بگذارد ۲۳
- ۱۰- اگر قبول کرد ودیعه است ۲۴
- ۱۱- با قبول فعلی هم ودیعه است ۲۵
- ۱۲- گفتن این که ودیعه است لازم نیست ۲۶
- ۱۳- برای احکام ودیعه قبض لازم است ۲۷
- ۱۴- با اکراه ودیعه درست نیست ۲۸
- ۱۵- قبول مجدد بی‌فایده است ۲۹
- ۱۶- پس از اکراه مجدداً قبض کند ۳۰
- ۱۷- نقل کلام ریاض ۳۱
- ۱۸- محافظت از ودیعه واجب است ۳۲
- ۱۹- قبول ودیعه گاهی واجب و گاهی مستحب است ۳۳
- ۲۰- و گاهی حرام است ۳۴

- ۲۱- امین بدون تعدی و تفریط ضامن نیست ۳۵
- ۲۲- اگر او سبب اخذ قهری شود ضامن است ۳۶
- ۲۳- در اخذ قهری فرقی نیست ۳۷
- ۲۴- مالک به غاصب رجوع می کند ۳۸
- ۲۵- اگر می توانست به ظالم ندهد ۳۹
- ۲۶- اگر اقسیمی از آن می توانست دفاع کند ۴۰
- ۲۷- اگر در محافظت بذل مال لازم بود ۴۱
- ۲۸- تحمل ضرر زیاد رکن نیست ۴۲
- ۲۹- اگر بذل مال مستلزم اضرار امانت بود ۴۳
- ۳۰- اگر بذل به مصلحت مالک نبود ۴۴
- ۳۱- امانت اگر اسب یا کتاب (مورد علاقه) بود ۴۵
- ۳۲- قسم دروغ برای حفظ امانت ۴۶
- ۳۳- ودیعه جایز است ۴۷
- ۳۴- اگر ودیعه باطل بود امانت شرعی است ۴۸
- ۳۵- اگر تأخیر کرد ضامن است ۴۹
- ۳۶- پس از تحقیق آن را به ورثه می دهند ۵۰
- ۳۷- از ودیعه بصورت معمول محافظت می شود ۵۱
- ۳۸- محافظت با اختلاف زمان و مکان مختلف است ۵۲
- ۳۹- اگر حیوان بود باید آب و غذا بدهد ۵۳
- ۴۰- اگر نیاز به خرید آب و علف بود ۵۴

- ۴۱- اختلاف در قیمت آب و علف ۵۵
- ۴۲- امین خود یا با کسانش می‌تواند از ودیعه مواظبت کند ۵۶
- ۴۳- در منزل خود یا در جای دیگر ۵۷
- ۴۴- انجام کار برای ودیعه سپردن آن به دیگری نیست ۵۸
- ۴۵- از منزلش بدون ضرورت ودیعه را بیرون نمی‌برد ۵۹
- ۴۶- اگر ضرورتی بود ایرادی ندارد ۶۰
- ۴۷- اگر مالک از آب و علف دادن نهي کند ۶۱
- ۴۸- اگر آب و علف نداد، ده ولی ضامن نیست ۶۲
- ۴۹- اگر برای ودیعه جانی تعیین کرده ۶۳
- ۵۰- به جای دیگر ببرد ضامن است ۶۴
- ۵۱- به جای امن‌تر نیز نمی‌تواند ببرد ۶۵
- ۵۲- اجماعاً به جای کمتر از آن نمی‌تواند ببرد ۶۶
- ۵۳- اگر خوف تلف بود ۶۷
- ۵۴- اگر تلف شد ضامن نیست ۶۸
- ۵۵- اگر صریحاً از بردن به جای دیگر نهي کند ۶۹
- ۵۶- در صورت تلف نیز اجازه انتقال ندهد ۷۰
- ۵۷- در این صورت نیز حفظ ودیعه لازم است ۷۱
- ۵۸- اختلاف در ضمان ۷۲
- ۵۹- اختلاف در ضرورت نقل ۷۳
- ۶۰- ودیعه توسط طفل و دیوانه صحیح نیست ۷۴

- ۶۱- اگر طفل وسیله بود صحیح است ۷۵
- ۶۲- ودیعه را به طفل و مجنون بر نمی‌گردانند ۷۶
- ۶۳- طفل و دیوانه برای تلف ودیعه ضامن نیستند ۷۷
- ۶۴- برخی میان ممیز و غیرممیز فرق گذاشته‌اند ۷۸
- ۶۵- اگر طفل و دیوانه ودیعه را تلف کنند ۷۹
- ۶۶- اگر اشر تلف بودند ضامن هستند ۸۰
- ۶۷- اگر بزه‌ای ودیعه را تلف کرد ۸۱
- ۶۸- در نشانه‌های مرگ باید برای امانت شاهد بگیرد ۸۲
- ۶۹- علامه گفته باید وصیت کند ۸۳
- ۷۰- تا لحظه مرگ فرصت دارد ۸۴
- ۷۱- امانت را باید برگرداند ۸۵
- ۷۲- زیرا با موت او ودیعه باطل خواهد شد ۸۶
- ۷۳- شاهد گرفتن راه منحصر به فرد نیست ۸۷
- ۷۴- اگر ناگهانی مرد ضامن نیست ۸۸
- ۷۵- وصیت بدون معرفی امانت بی‌فایده است ۸۹
- ۷۶- اگر در ترکه مانند ودیعه متعدد بود ۹۰
- ۷۷- اگر امانت در ترکه پیدا نشد ۹۱
- ۷۸- آیا متوفی ضامن است یا نه؟ ۹۲
- ۷۹- تحقیق در مسأله ۹۳
- ۸۰- اگر ورثه منکر ودیعه باشند ۹۴

- ۸۱- اگر ودیعه مطالبه شد..... ۹۷
- ۸۲- در معنی امکان رد..... ۹۸
- ۸۳- اگر برگرداندن را انکار کند..... ۹۹
- ۸۴- برگرداندن ودیعه به صورت معمولی است..... ۱۰۰
- ۸۵- اگر ودیعه گذار کافر بود..... ۱۰۱
- ۸۶- اگر حربی بود به حاکم داده می شود..... ۱۰۲
- ۸۷- اگر مالش احتراق دارد..... ۱۰۳
- ۸۸- اگر امانتگذار غاصب بود..... ۱۰۴
- ۸۹- مال غصبی را به مالکش برمی گرداند..... ۱۰۵
- ۹۰- برخی گفته اند آن را باید به امام مسلمین داد..... ۱۰۶
- ۹۱- اگر مالکش شناسایی نشد..... ۱۰۷
- ۹۲- دادن به امام مسلمین بهتر است..... ۱۰۸
- ۹۳- اگر غاصب ودیعه را با مال خود مخلوط کرده است..... ۱۰۹
- ۹۴- اگر قابل جدا کردن نیست..... ۱۱۰
- ۹۵- همه آن را باید به غاصب داد..... ۱۱۱
- ۹۶- مطلب دوم در موجبات ضمان..... ۱۱۲
- ۹۷- بدون تعدی و تفریط ضامن نیست..... ۱۱۳
- ۹۸- روایات در مورد تفریط..... ۱۱۴
- ۹۹- آب ندان به حیوان تفریط است..... ۱۱۵
- ۱۰۰- تفریط اجماعاً از اسباب ضمان است..... ۱۱۶

- ۱۰۱- فراموش کند و ودیعه ضایع شود..... ۱۱۷
- ۱۰۲- ودیعه را به دیگری بسپارد ضامن است..... ۱۱۸
- ۱۰۳- قرار دادن در جای مشترک نیز موجب ضمان است..... ۱۱۹
- ۱۰۴- اگر ضرورتی بود می‌تواند به دیگری بسپارد..... ۱۲۰
- ۱۰۵- اگر به حاکم دسترسی نداشت..... ۱۲۱
- ۱۰۶- دان به دیگری استنابه در حفظ است..... ۱۲۲
- ۱۰۷- اگر خود مالک ودیعه اجازه داده است..... ۱۲۳
- ۱۰۸- اگر به سافری برود..... ۱۲۴
- ۱۰۹- ودیعه را باید به ماکس برگرداند..... ۱۲۵
- ۱۱۰- برخی گفته او باید در محضر بماند..... ۱۲۶
- ۱۱۱- اگر مسافرت ضروری بود..... ۱۲۷
- ۱۱۲- اقوال فقها درباره مسافرت..... ۱۲۸
- ۱۱۳- می‌تواند ودیعه را به اهل و عیالش بسپارد..... ۱۲۹
- ۱۱۴- اگر در محل ماندن ودیعه خوف تلف باشد..... ۱۳۰
- ۱۱۵- مثالهایی برای تفریط..... ۱۳۱
- ۱۱۶- اگر حیوان نمرد ضامن نیست..... ۱۳۲
- ۱۱۷- سبب دوم ضمان تعدی است..... ۱۳۵
- ۱۱۸- اگر در ادامه تصمیم به عدم استرداد بگیرد..... ۱۳۶
- ۱۱۹- اگر قصدش را عوض کرد ودیعه فسخ می‌شود..... ۱۳۷
- ۱۲۰- نیت غضب با نیت استفاده از ودیعه فرق دارد..... ۱۳۸

- ۱۲۱- اگر مطالبه کرد و پس نداد ضامن است ۱۳۹
- ۱۲۲- اگر انکار کرد ضامن است ۱۴۰
- ۱۲۳- اگر بدون مطالبه انکار کرد ۱۴۱
- ۱۲۴- اگر امانت را با مال خود مخلوط کرد ۱۴۲
- ۱۲۵- اگر ودیعه در بسته بود ۱۴۳
- ۱۲۶- اردیالی گزیده ضامن نیست ۱۴۴
- ۱۲۷- ملاک ضمان نجات است ۱۴۵
- ۱۲۸- اگر دو ودیعه با یکدیگر مخلوط کند ۱۴۶
- ۱۲۹- اگر مقداری از ودیعه تلف کرد بقیه را ضامن است ۱۴۷
- ۱۳۰- اگر اجاره برای سبک بود ساگین با کند ۱۴۸
- ۱۳۱- اگر امانت را در حرز قفل شده تیرین ۱۴۹
- ۱۳۲- اگر مقداری از آن را بردارد ۱۵۰
- ۱۳۳- اگر تصمیم به برداشت بگیرد و بر ندارد ۱۵۱
- ۱۳۴- اگر بردارد و عوض آن را در ودیعه نگاهدارد ضامن است ۱۵۲
- ۱۳۵- پیدا کردن قاعده برای ضمان ۱۵۳
- ۱۳۶- روایت در این مورد ۱۵۴
- ۱۳۷- مطلب سوم در لواحق ۱۵۶
- ۱۳۸- مسأله اول در مسافرت بردن ودیعه ۱۵۶
- ۱۳۹- اگر مسافرت خطر داشت جایز نیست ۱۵۷
- ۱۴۰- مسأله دوم امانتدار با برگرداندن تبرئه می شود ۱۵۸

- ۱۴۱- مسافرت بدون ضرورت موجب ضمان است..... ۱۵۹
- ۱۴۲- اگر خوف تلف بود به حاکم دسترسی نبود..... ۱۶۰
- ۱۴۳- مسأله سوم: اگر بر حاکم دسترسی داشت..... ۱۶۱
- ۱۴۴- سپردن به عادل یکی از راههای حفظ است..... ۱۶۲
- ۱۴۵- ودیعه را دفن کند..... ۱۶۳
- ۱۴۶- اگر خوف تلف باشد..... ۱۶۴
- ۱۴۷- مسأله پنجم- پس از تعدی یا تفریط..... ۱۶۵
- ۱۴۸- اگر دوره اجاره داد..... ۱۶۶
- ۱۴۹- اگر او را ابراء کند..... ۱۶۷
- ۱۵۰- اگر امانتدار وادار شود که مانند را به غیر مالک بدهد..... ۱۶۸
- ۱۵۱- مسأله ششم - اگر امانت را انکار و از دست کرد که تلف شده است..... ۱۷۰
- ۱۵۲- روایات در این خصوص..... ۱۷۱
- ۱۵۳- ادعای او را بدون سوگند می‌پذیرند..... ۱۷۳
- ۱۵۴- اگر بگوید مالک اجازه داده بود..... ۱۷۴
- ۱۵۵- اگر مالک اجازه دادنش را قبول کند..... ۱۷۵
- ۱۵۶- مسأله هفتم- اگر ودیعه با بیینه ثابت شد..... ۱۷۶
- ۱۵۷- بیینه او را برای تلف می‌پذیرند..... ۱۷۷
- ۱۵۸- اقوال مختلف است..... ۱۷۸
- ۱۵۹- مسأله هشتم: مالک امانت حرز را تعیین کنند..... ۱۸۱
- ۱۶۰- مسأله نهم - اگر امین به بودن ودیعه اعتراف کرد و مرد..... ۱۸۳

- ۱۶۱- مسأله دهم: دو نفر مدعی امانت باشند ۱۸۶
- ۱۶۲- اگر به نفع هر دو اقرار کرد ۱۸۶
- ۱۶۳- اگر هر دو را تکذیب کرد ۱۸۷
- ۱۶۴- اختلاف در تعیین مالک امانت ۱۸۹
- ۱۶۵- اگر امانتدار بر ندانستن مالک قسم نخورد ۱۹۰
- ۱۶۶- اگر بگوید مالک آن را نمیدانم ۱۹۱
- ۱۶۷- مسأله نهم: اختلاف در قیمت ۱۹۵
- ۱۶۸- مسأله دوازدهم: اگر امانت مرد ۱۹۶

کتاب عاریه

- ۱۶۹- در معنی لغوی عاریه ۱۹۷
- ۱۷۰- عاریه عقد است ۱۹۷
- ۱۷۱- اگر معاطاتی بود عاریه نیست اباحه است ۱۹۸
- ۱۷۲- تعریف اصطلاحی عاریه ۱۹۹
- ۱۷۳- ایراد تعریف مزبور ۲۰۰
- ۱۷۴- به گفته برخی سکنی مطلق عاریه است ۲۰۱
- ۱۷۵- فرق عقود با یکدیگر در قصد طرفین است ۲۰۲
- ۱۷۶- عاریه ممکن است به جهت دیگر لازم بوده باشد ۲۰۳
- ۱۷۷- با هر عبارتی عاریه محقق می‌شود ۲۰۴
- ۱۷۸- عاریه عقد جایزی است ۲۰۵
- ۱۷۹- این جنید گفته عاریه در چند مورد لازم است ۲۰۵
- ۱۸۰- پاسخ از آن ۲۰۶

- ۱۸۱- در عاریه چهار فصل است..... ۲۰۷
- ۱۸۲- فصل اول در شرایط عاریه دهنده ۲۰۹
- ۱۸۳- اگر ولی اجازه داد بچه می تواند عاریه دهد..... ۲۰۹
- ۱۸۴- فصل دوم: در شرایط عاریه گیرنده..... ۲۱۳
- ۱۸۵- عاریه گیرنده باید معین باشد..... ۲۱۳
- ۱۸۶- در عاریه دادن به غیر محصور اشکال شده..... ۲۱۴
- ۱۸۷- عاریه گیرنده بطور متعارف می تواند استفاده کند..... ۲۱۵
- ۱۸۸- عاریه گیرنده ضمان تلف یا عیب و نقص نیست..... ۲۱۶
- ۱۸۹- برخی گفته اند ضمان تلف است..... ۲۱۷
- ۱۹۰- اگر تلف با استفاده مازد بود ضامن نبود..... ۲۲۰
- ۱۹۱- اگر تلف به سبب استمرار استفاده یا اتلاف است..... ۲۲۱
- ۱۹۲- استفاده بر عاریه گیرنده مجاز باشد..... ۲۲۲
- ۱۹۳- مال غضبی را عاریه بگیرد..... ۲۲۵
- ۱۹۴- استدلال با قاعده مالایضمن..... ۲۲۷
- ۱۹۵- بر مالایضمن دلیلی نیست..... ۲۲۷
- ۱۹۶- مالک مال به هر دو می تواند رجوع کند..... ۲۲۸
- ۱۹۷- اگر عاریه گیرنده غضبی بودن را می دانست..... ۲۳۲
- ۱۹۸- فصل سوم: مال مورد عاریه ۲۳۶
- ۱۹۹- خوردنی ها و آشامیدنی ها را نمی توان عاریه داد..... ۲۳۶
- ۲۰۰- صاحب ریاض گفته اگر اتلاف آن را اجازه داد جایز است..... ۲۳۷

- ۲۳۸..... ۲۰۱- در استفاده به قدر مازون اکتفا می‌شود.....
- ۲۳۹..... ۲۰۲- گفته شده استفاده کمتر جایز است.....
- ۲۴۰..... ۲۰۳- اگر تعیین به عنوان مثال بود تخطی جایز است.....
- ۲۴۱..... ۲۰۴- اگر تخطی کرد باید اجرت بدهد.....
- ۲۴۳..... ۲۰۵- عاریه دادن حیوانات.....
- ۲۴۴..... ۲۰۶- عاریه دادن منحه جایز است.....
- ۲۴۵..... ۲۰۷- استندادن بر جواز آن.....
- ۲۴۷..... ۲۰۸- منحه غیر از شیر هم جایز است.....
- ۲۴۸..... ۲۰۹- با عاریه با کنیز نمی‌توان تردید کرد.....
- ۲۴۹..... ۲۱۰- عاریه با مدت و بی‌مدت مرد صحیح است.....
- ۲۵۴..... ۲۱۱- مالک تا ارش نداده حق از بین بردن زرع را ندارد.....
- ۲۶۰..... ۲۱۲- اگر عاریه مدت داشت و مدت تمام شده است.....
- ۲۶۲..... ۲۱۳- زمین را برای دفن مرده عاریه دهد.....
- ۲۶۷..... ۲۱۴- استفاده از سقف و سایه دیگری در باران و آفتاب.....
- ۲۶۹..... ۲۱۵- اگر اجازه دهد که تیر روی دیوارش بگذارد.....
- ۲۷۰..... ۲۱۶- اگر زمینی را برای کاشتن درخت عاریه گرفته دوباره می‌تواند بکار.....
- ۲۷۲..... ۲۱۷- عاریه گیرنده عاریه را به دیگری نمی‌تواند بدهد.....
- ۲۷۶..... ۲۱۸- فصل چهارم احکام عاریه.....
- ۲۷۶..... ۲۱۹- مسأله اول - عاریه امانت است.....
- ۲۷۷..... ۲۲۰- عاریه طلا و نقره دارای ضمان است.....
- ۲۷۸..... ۲۲۱- روایات در مورد ضمان عاریه.....

- ۲۲۲- اگر سقوط ضمان را شرط کنند..... ۲۸۶
- ۲۲۳- شرط سقوط ضمان در تعدی و تفریط..... ۲۸۶
- ۲۲۴- ابن جنید گفته عاریه حیوان ضمان دارد..... ۲۸۸
- ۲۲۵- مسأله دوم- عاریه را باید به مالک یا قائم مقام او برگرداند..... ۲۹۰
- ۲۲۶- اگر از قدر مجاز تجاوز کرد ضامن است..... ۲۹۰
- ۲۲۷- مسأله سوم - عاریه گیرنده اعیانی خود را می تواند بفروشد..... ۲۹۳
- ۲۲۸- مسأله چهارم - اگر درخت یا تخم دیگری در زمین او روئید..... ۲۹۶
- ۲۲۹- مسأله پنجم - اگر عاریه به سبب استعمال تلف شد..... ۳۰۴
- ۲۳۰- مسأله ششم - اختلاف در عاریه و اجاره..... ۳۰۹
- ۲۳۱- مسأله هفتم - در اجازه برای منفعت معلوم بود..... ۳۲۱
- ۲۳۲- مسأله هشتم - در عاریه با انکار کند..... ۳۲۴
- ۲۳۳- مسأله نهم - عاریه گیرنده ادعا کند که عاریه تلف شده است..... ۳۲۵
- ۲۳۴- مسأله دهم - عاریه بر ر کفرتای تلف شد..... ۳۲۷
- ۲۳۵- مسأله یازدهم - عاریه معوض است..... ۳۲۹
- ۲۳۶- فهرست عمومی..... ۳۳۵
- ۲۳۷- اسامی مقدس..... ۳۳۶
- ۲۳۸- آیات کریمه..... ۳۳۷
- ۲۳۹- روایات..... ۳۳۸
- ۲۴۰- اعلام..... ۳۴۰
- ۲۴۱- شرح مختصری بر اعلام..... ۳۴۳
- ۲۴۲- منابع..... ۳۶۳
- ۲۴۳- شرح مختصری بر منابع..... ۳۶۶
- ۲۴۴- مواد قانونی..... ۳۸۶
- ۲۴۵- کتابهایی که برای نوشتن تعلیقات از آنها استفاده شده است..... ۳۸۸